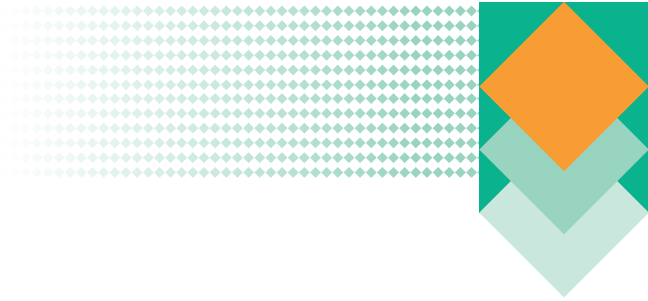


۵

نمایندگان مکتب مشاء (۱)



حکیم ابونصر فارابی



فارابی^۱

مطالعه آزاد

حکیم ابونصر محمد فارابی، از داناترین و وارسته‌ترین دانشمندان و فرزندگان ایران است که به حق او را معلم ثانی لقب داده، او را بعد از ارسطو برترین حکما و بنیان‌گذار و مؤسس فلسفه اسلامی دانسته‌اند. فارابی در حدود سال ۲۶۰ هجری در دهکدهٔ وَسِیج، از نواحی فاراب ترکستان متولد شد. نژادش ایرانی و پدرش سردار سپاه بود. او از دوران جوانی به تحصیل فقه و حدیث و تفسیر قرآن پرداخت. سپس به بغداد رفت و از محضر ابوبشیرمَتّی بِن یونس، حکیم معروف که از دانشمندان و مترجمان قرن سوم و چهارم هجری است، استفاده کرد. سپس به حَرّان - که تا آن زمان هنوز اهمیت علمی خود را حفظ کرده و مرکز عده‌ای از فلاسفه بود - سفر کرد و در آن‌جا منطق را تا آخر کتاب برهان نزد یوحنابن حیلان خواند. آن‌گاه به بغداد بازگشت و به تحصیلات خود ادامه داد تا دانشمندی بلندآوازه و فیلسوفی بلندپایه شد و طالبان علم و حکمت به دور او گرد آمدند.

فارابی در سال ۳۳۰ به مصر رفت و در حدود سال ۳۳۴ مرکز فرهنگی دیگری در حلب توجه او را به خود جلب کرد. در این شهر، دربار دانش‌پرور سیف‌الدوله حَمْدانی، مجمع برجسته‌ترین شاعران، ادیبان، دانشمندان و حکیمان بود و در آن فضایی علمی و فرهنگی برای هرگونه تحقیق آزاد فراهم شده بود. امیر سیف‌الدوله، مقدم فارابی را بسیار گرمی داشت و در تکریم او از هیچ کوششی فروگذار نکرد. پس از اینکه سیف‌الدوله دمشق را فتح کرد، فارابی به همراه او وارد دمشق شد و در این شهر اقامت گزید؛ تا سال ۳۳۹ که در سن هشتاد سالگی از دنیا رفت و در همان‌جا به خاک سپرده شد.

۱. به زبان لاتین، آلفارابیوس Alfarabius.

شخصیت اخلاقی

فارابی شخصیتی وارسته داشت و زندگی در دربار با شکوه و جلال سیف‌الدوله هرگز او را وسوسه نکرد؛ بلکه در همه احوال حق و حقیقت را بر همه چیز مقدم می‌داشت. او از همان دوران جوانی که به تحصیل اشتغال یافت، تهی‌دست و کم‌بضاعت، اما بسیار کوشا بود. چنان‌که برای گذران زندگی باغبانی می‌کرد. شب‌ها در نور چراغ پاسبانان درس می‌خواند و اغلب تا صبح بیدار می‌ماند. او کار علمی را با سادگی و قناعت‌پیشگی آمیخته بود و با اینکه از برترین دانشمندان عصر خود و از ارجمندترین کسان در نزد سیف‌الدوله به‌شمار می‌رفت، از پوشیدن جامه‌های فاخر و مراعات آداب دربار خودداری می‌کرد. فارابی لباس‌های محلی می‌پوشید و به‌جای حضور در تالارهای قصر سلطنتی، بیشتر وقت خود را در طبیعت می‌گذرانید. او کتب و رساله‌های خود را کنار جویبارها و میان سبزه‌زارها به رشته تحریر درمی‌آورد و اغلب، مجالس درس خویش را در دامن طبیعت برگزار می‌کرد و در حالی که امیر حمدانی هر نوع اسباب راحتی و آسایش را برای او مهیا کرده بود، زندگی را به‌سختی می‌گذرانید و روزانه بیش از چهار درهم هزینه نداشت.

جست‌وجو و تحقیق

الف) چرا فارابی در مسیر علم بسیار کوشا بوده است؟
ب) از اینکه فارابی بیشتر فعالیت‌های علمی خود را در کنار سبزه‌زارها، جویبارها و طبیعت پاک برگزار می‌کرده چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟
ج) به‌نظر شما برای درس خواندن، بیشتر باید اتاق مطالعه خود را تزئین و مجهز نماییم یا روحیه مطالعه را در خود بیشتر تقویت نماییم؟

بدین جهت، مقام فلسفی فارابی را هم‌پایه ارسطو و شخصیت اخلاقی و معنوی او را همانند افلاطون دانسته‌اند. زمانی از وی پرسیدند: «تو داناتری یا ارسطو؟» پاسخ داد: «اگر من در زمان او می‌زیستم، البته بزرگ‌ترین شاگرد او بودم.»^۱

۱. ابن خَلَّکان، وفیات الاعیان، ج ۲، صفحه ۱۹۷.

شخصیت علمی و فلسفی

فارابی تقریباً در تمام رشته‌های علمی و فلسفی زمان خویش، از جمله ریاضیات و موسیقی و منطق و مابعدالطبیعه و سیاست و اخلاق، استاد و صاحب نظر و صاحب تألیف است با اینکه عملاً به پیشه طبابت نپرداخته او را در شمار پزشکان آورده‌اند و هرچند به شعر و شاعری مشهور نبوده، اشعاری به زبان فارسی و عربی به وی نسبت داده‌اند. در حدود سی جلد کتاب و رساله در رشته‌های گوناگون علمی و فلسفی از فارابی به یادگار مانده که از زمان او تاکنون در شرق و غرب مورد توجه و مراجعه و مطالعهٔ علما و حکما بوده است. بعضی از آثار مهم او عبارت‌اند از:

۱ **احصاء العلوم:** شامل هشت فصل است و نویسنده در هر فصل به یکی از شاخه‌های علوم مثل علم زبان، منطق، ریاضیات، نجوم، مابعدالطبیعه، فقه، کلام و سیاست پرداخته است.

۲ **فصوص الحکم:** در مابعدالطبیعه و علم توحید است. لحن فارابی در این کتاب به لحن عرفا شباهت دارد و عباراتش نمودار عشق راستین او به حق و وجد و حال معنوی اوست.

۳ **رساله اغراض مابعدالطبیعه:** این کتاب شرحی است بر کتاب «مابعدالطبیعه» اثر ارسطو و با این که بسیار کوتاه است، محتوایی بسیار ارزشمند دارد و فیلسوفان اسلامی برای فهم صحیح مطالب ارسطو از آن بسیار بهره برده‌اند. از جمله ابن سینا اذعان کرده است که پس از آنکه چهل بار مابعدالطبیعهٔ ارسطو را خوانده و نفهمیده است، به یاری این رساله به اغراض ارسطو پی می‌برد و مشکلات مابعدالطبیعهٔ ارسطو برایش حل می‌شود.

۴ **رساله جمع بین رأی دو حکیم:** فارابی در این رساله، آرای افلاطون و ارسطو را بیان می‌کند و بنابر نظر خویش به تفسیر موارد اختلاف و رفع آنها می‌پردازد. در واقع، این کتاب زمینه‌ای است برای اینکه فارابی آرای خود را به مثابه فلسفهٔ درست بیان کند و به همین جهت، نه یک پژوهش فلسفی صرف برای شناساندن تفکر دو حکیم بزرگ یونان، بلکه طرح تأسیس فلسفهٔ اسلامی است.

۵ **مقاله فی معانی العقل:** فارابی در این مقاله عقل را تعریف کرده و اقسام و معانی آن را شرح داده است.

۶ **کتاب موسیقی کبیر:** این کتاب از ارزنده‌ترین آثاری است که در علم موسیقی از دنیای قدیم برای ما به یادگار مانده است. کتاب موسیقی کبیر در شرق و غرب تأثیر فراوان داشته است و از منابع معتبر این علم محسوب می‌شود. در باب تبخّر فارابی در موسیقی ماجرای نقل شده است که هرچند به افسانه می‌ماند؛ اما خالی از لطف نیست:

روزی فارابی در حضور امیر سیف‌الدوله بود. امیر فرمان داد که خنیاگران حاضر شوند. آنها با انواع آلات موسیقی حاضر شدند و شروع به نواختن کردند. فارابی به هریک از آنها خرده‌ای می‌گرفت و می‌گفت: خطا کردی! سپس از میان کیسه‌ای که همراه داشت، چوب‌هایی درآورد؛ آنها را به هم وصل کرد و شروع به نواختن نمود؛ حاضران از آن نغمه به خنده افتادند. ابونصر آن را بازگشاد و این بار به طرز دیگری ترکیب کرد و بنواخت؛ همه حاضران گریستند. فارابی بار دیگر ترکیب را تغییر داد و آن را به گونه‌ای دیگر ساز کرد؛ این بار اهل مجلس همه به خواب رفتند. فارابی آنها را خوابیده گذاشت و بیرون آمد. گفته‌اند سازی که «قانون» نامیده می‌شود، از ساخته‌های اوست.^۱

۷ آراء اهل مدینه فاضله

۸ سیاسات مدینه

۹ رساله تحصیل السعاده

کتاب ذکر شده در باب سیاست و اجتماعیات و اخلاق هستند.

عبرت آموزی

بزرگ‌ترین درسی که می‌توان از منش اخلاقی و علمی فارابی گرفت، چیست؟

فلسفه سیاسی

فارابی هرگز مشاغل سیاسی را نپذیرفت و با اهل سیاست نیز معاشرت نداشت؛ با این حال، در باب سیاست بسیار اندیشید و آثار متعددی در این زمینه نوشت. به طوری که می‌توان او را مهم‌ترین فیلسوف سیاسی اسلام دانست. آرای سیاسی بخش عمده‌ای از آثار فارابی را تشکیل می‌دهد.

سعادت و مدینه

فارابی نیز مانند ارسطو انسان را مدنی بالطبع می‌داند. او معتقد است که افراد بشر برای بقا و دستیابی به برترین کمالات انسانی خویش نیازهایی دارند که به تنهایی از عهده تدارک آنها برنمی‌آیند؛ در واقع، تأمین نیازهای آنها در گرو تشکیل جامعه‌ای است که هریک از اعضای

۱. ابن خَلکان، وفيات الاعیان، صفحه ۱۹۲. این داستان در منتخب رسائل اخوان الصفا نیز ذکر شده است.

آن عهده‌دار برطرف کردن بخشی از این نیازها گردد. از این‌رو، آدمی برحسب فطرت خود، به اجتماع گرایش دارد و می‌خواهد در مجاورت هموعان خویش زندگی کند. در حقیقت، نیاز متقابل انسان‌ها به یکدیگر عامل برپایی جوامع بوده است تا مردم به دور هم گرد آیند و به یاری هم به کمال و سعادت نزدیک شوند. پس هدف اصلی از اجتماع و مدینه و گرد آمدن مردم در یک سرزمین، چیزی جز دستیابی به سعادت دنیا و آخرت نیست.

❖❖❖ مدینه فاضله

بر این اساس، بهترین مدینه‌ها، مدینه‌ای است که مردم آن به اموری مشغول و به فضایی آراسته‌اند که در نهایت آن مدینه را به سوی سعادت رهنمون می‌سازد. فارابی چنین مدینه‌ای را، مدینه فاضله می‌نامد.

فارابی مدینه فاضله را به بدن انسان تشبیه می‌کند؛ بدنی که سالم و استوار است و همه اعضای آن برای حفظ حیات و تندرستی و رشد آدمی وظایف خود را به نحو احسن انجام می‌دهند. همان‌طور که در بدن قلب بر همه اعضای بدن ریاست دارد و مواد لازم برای سوخت و ساز اعضا و دستگاه‌های بدن را به اندازه ظرفیت و نیاز به آنها می‌رساند، در مدینه فاضله نیز کسی هست که بر دیگران ریاست می‌کند و ریاست او عین برقراری نظام عدل و توزیع عادلانه امکانات اجتماعی است. پس مدینه فاضله به هیئت پیوسته و سازمان یافته بدن شباهت دارد؛ با این تفاوت که اعضای بدن طبیعی هستند و با قوای طبیعی خود عمل می‌کنند و پیوند آنها جنبه تکوینی دارد، ولی اعضای مدینه فاضله فضایل و اعمال اکتسابی و ارادی دارند و هرکدام برحسب استعدادها خاص خود موقعیتی را در مدینه احراز می‌کنند که با نظام و سازمان مدینه هماهنگ است. همان‌گونه که در میان اعضای بدن برخی بر دیگران تقدم دارند، در میان اعضای مدینه نیز سلسله‌مراتبی برقرار است. دیدگاه فارابی درباره مدینه فاضله از مبانی مابعدالطبیعه او الهام گرفته است. از دیدگاه حکمت مشایی، جهان سلسله‌مراتبی دارد که در رأس آن ذات احدیت است و ملائکه و فرشتگان - که به عقول تعبیر می‌شوند - واسطه در تدبیر جهان آفرینش هستند تا برسد به عقل دهم یا عقل فعال^۱ که عهده‌دار نظم عالم طبیعت است. بدین ترتیب، در نظر فارابی نسبت عقل فعال به طبیعت مانند نسبت قلب به بدن و همانند نسبت رئیس به مدینه فاضله است. چنین تشابه و مناسبتی همواره میان نظام هستی و نظام مدینه فاضله وجود دارد.

۱. عقل فعال در پاورقی صفحه ۵۳ توضیح داده شده است.

از اینکه فارابی عقل دهم را عهده‌دار نظم عالم طبیعت می‌داند چه نتیجه‌ای در خصوص حوادث و اتفاقاتی که برای ما رخ می‌دهد می‌توان گرفت؟ آیا همهٔ امور عالم حکیمانه است؟

ریاست مدینهٔ فاضله

روشن است که همهٔ اعضای مدینهٔ فاضله، شایستگی تصدی مقام ریاست مدینه را ندارند. زعیم مدینهٔ فاضله باید روحی بزرگ و سرشتی عالی داشته باشد و فضایل و توانایی‌هایی که لازمهٔ انجام این وظیفهٔ خطیر است در او جمع باشد. او باید به عالی‌ترین درجات تعقل و تفکر رسیده باشد تا بتواند مصالح مردم و شرایع و احکام را دریافت کند و آنها را با وضوح و روشنی برای همگان بیان نماید و شرایط تحقق آرمان‌های الهی را در جامعه فراهم کند؛ یعنی زعیم مدینه در اصل کسی جز پیامبر خدا نمی‌تواند باشد.

پیامبر در زمان حیات خویش معلّم و مدبّر و راهنمای مدینهٔ فاضله است و پس از او این مقام به امامان و جانشینان او واگذار می‌شود. به عقیدهٔ فارابی رئیس مدینهٔ فاضله که راهبر مردم به سوی سعادت است باید خود به اعلا درجهٔ سعادت بشری که همانا اتصال با ملک وحی یا عقل فعال است رسیده باشد. وحی انبیاء و الهامات اولیاء همگی ناشی از این اتصال دائمی است.

مقایسه و تطبیق

در عصر غیبت به نظر شما اگر کسی بخواهد ریاست مدینهٔ فاضله را به عهده بگیرد کدام‌یک از خصوصیات پیامبران علیهم‌السلام را باید داشته باشد؟ آیا می‌توان ریاست مدینه را به حال خود رها کرد؟

سیاست و سعادت

حال با توجه به مبانی ذکر شده، از دیدگاه فارابی به این پرسش بنیادی در فلسفهٔ سیاست پاسخ دهید: «حقیقت سیاست چیست؟»

بلی، سیاست فعل و تدبیر زعیم مدینهٔ فاضله است متناسب با تعالیم و الهامات روحانی و

احکام و نوامیس و قوانینی که از مبدأ وحی و الهام سرچشمه گرفته است تا در مدینه نظام خیر و عدل تأسیس شود و گسترش یابد؛ صناعات و حرفه‌ها برحسب استعدادهای اهل مدینه تقسیم شود و اهل مدینه در این نظام خیر به فضایل و صفات انسانی آراسته گردند و شایستگی سعادت دنیا و آخرت در وضع و حال آنها نمودار شود. این سیاست، سیاست فاضله است و بدون قیادت چنان زعیمی، امکان اجرا و تحقق ندارد؛ یعنی، مراد فارابی از سیاست با معنای متداول سیاست در جهان امروز؛ فاصله بسیار دارد و سعادت، رکن جدایی‌ناپذیر آن است.

❖❖❖ مدینه جاهله

فارابی در مقابل مدینه فاضله از اقسام دیگری از مدینه نام می‌برد. این مدینه‌ها برخلاف مدینه فاضله که مانند بدنی سالم و استوار است، به بدنی می‌مانند که از سلامت کافی برخوردار نیست و اعضای آن ناقص‌اند. از جمله این مدینه‌ها، می‌توان به مدینه جاهله اشاره کرد.

فارابی مدینه جاهله را چنین توصیف می‌کند: «مردمش نه سعادت را می‌شناسند و نه سعادت به خاطرشان خطور می‌کند. چنان‌که اگر ایشان را به سعادت راهنمایی کنند، بدان سوی نروند و اگر از سعادت برای آنها سخن گویند، بدان اعتقاد پیدا نکنند. از خیرات جز سلامت جسم و فراخی در تمتع لذت‌ها نمی‌شناسند و اگر به آن دست یافتند، گمان می‌برند که به سعادت رسیده‌اند و اگر دست نیافتند، پندارند که در بدبختی افتاده‌اند».

❖❖❖ ارزیابی و مقایسه

مقایسه	وصف	مدینه جاهله	وصف	مدینه فاضله
		رئیس	عالم به احکام الهی و مصالح مردم	رئیس
		مردم		مردم
		نسبت اعضا		نسبت اعضا
		سیاست		سیاست
		هدف		هدف

معلم ثانی

فارابی در تاریخ فلسفه اسلامی به دلیل برخورداری از جایگاه والای علمی و فلسفی، معلم ثانی لقب گرفت. مورخان و محققان در باب اینکه چرا او به این عنوان خوانده شده است، دلایل گوناگونی را برشمرده‌اند.

برخی او را به این دلیل که در منطق ارسطو مهارت خاصی داشت و آن را به صورت کاملاً تصحیح شده به زبان عربی تدوین کرد، شایسته این عنوان دانسته‌اند. به عقیده برخی نیز او بسیاری از مضامین فلسفه یونانی را که به دلیل اشتباه و قصور فهم مترجمان، مبهم و احياناً بی‌معنا جلوه‌گر شده بود، با استادی تمام، اصلاح و تفسیر کرده و میراث فکری یونانیان را در حوزه جدیدی گردآورد و به همین دلیل معلم ثانی خوانده شد.

گرچه این دلایل در جای خود درست به نظر می‌رسند، اما اگر به آنها اکتفا شود، مقام حقیقی فارابی در فلسفه ناشناخته باقی می‌ماند. لقب معلم ثانی تنها به جهت تمجید و تکریم از مقام علمی فارابی نیست؛ بلکه در حقیقت، فارابی با مطالعه و هضم و جذب میراث فلسفی یونان از یک طرف و داشتن درک عمیق نسبت به معارف اسلامی و برخورداری از احساس‌های معنوی متعالی از سوی دیگر، اصول و مبادی جدیدی را در فلسفه بنا نهاد و براساس نظام فلسفی خویش در علم کلام، فقه، اخلاق، سیاست و... چنان حکم کرد که این علوم در عین موافقت با دین از یک وحدت‌سازمانی برخوردار شوند. پس، مقام حقیقی فارابی و دادن عنوان معلم ثانی به او از آن جهت است که او مؤسس فلسفه اسلامی یا فلسفه نبوی است. این فلسفه در طول تاریخ فلسفه اسلامی به وسیله فلاسفه بزرگ دیگر بسط و تکامل یافت.

تحقیق و پژوهش

با مراجعه به مقاله فارابی نوشته ابراهیم مدکور در کتاب تاریخ فلسفه در اسلام ویراسته میرمحمد شریف، مقاله‌ای درباره سهم فارابی در علم و تمدن اسلامی بنویسید.

- ۱ هدف اصلی تشکیل مدینه از نظر فارابی چیست؟
- ۲ مدینه فاضله را تعریف کنید و بنویسید فارابی آن را به چه تشبیه می‌کند؟
- ۳ ویژگی‌های رئیس مدینه فاضله از نظر فارابی چیست و این ویژگی‌ها در چه کسانی وجود دارد؟
- ۴ حقیقت سیاست از نظر فارابی چیست؟ و چه تفاوتی با سیاست متداول امروزی دارد؟
- ۵ فارابی دیدگاه خود را درباره مدینه فاضله از کجا الهام گرفته است؟ توضیح دهید.
- ۶ تعریف مدینه جاهله چیست و فارابی آن را به چه تشبیه می‌کند؟
- ۷ به چه جهاتی مورخان فارابی را معلم ثانی لقب داده‌اند؟